نام مقاله: تعامل حرفة كتابداري و اطلاع‌رساني با فرآيند جهاني‌شدن

نام نشريه: فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني (اين نشريه در www.isc.gov.ir نمايه مي شود)

شماره نشريه: 26 \_ شماره دوم، جلد 7

پديدآور: محمد حسن‌زاده

مترجم:

چكيده

جهاني‌شدن جوانب مختلف جوامع بشري را با تغيير و تحولات وسيعي روبرو ساخته است. علوم كتابداري و اطلاع‌رساني نيز به عنوان شاخه‌اي از علوم اجتماعي تحت تأثير اين تغيير و تحولات قرار گرفته است. در اين مقاله با بررسي جهاني‌شدن، تعاريف و حيطة تأثيرات آن، به صورت اخص به رابطه اطلاعات و جهاني‌شدن پرداخته مي‌شود. اطلاعات‌گرايي به عنوان مفهومي نوين موردتوجه قرار گرفته و در ادامة مقاله، فرصت‌ها و چالش‌هاي جدي پيش‌روي كتابخانه‌ها و مراكز اطلاعاتي در تعامل با جهاني‌شدن تجزيه و تحليل شده است. سرانجام راهكارها و پيشنهادهايي به‌عنوان راه‌حل مسائل موجود به صورت مجزا براي دست‌اندركاران تصميم‌گيري كلان، استادان، گروه‌هاي كتابداري و اطلاع‌رساني و دانشجويان آن‌ها ارائه شده است.

كليدواژه‌ها: جهاني‌شدن، اطلاعات‌گرايي، علوم كتابداري و اطلاع‌رساني، كتابخانه‌ها و مراكز اطلاعاتي، راهكارها و پيشنهادها

مقدمه

جهاني‌شدن واژه‌اي است كه تغييرات چشمگير در بسياري از عرصه‌هاي حيات بشري را در بطن خود مي‌پروراند. به دنبال اين فرآيند، سياست، امنيت، اقتصاد، تجارت، فرهنگ، هويت، ارتباطات، فناوري، اطلاع‌رساني، محيط زيست، منابع طبيعي و تعاريف اجتماعي و سياسي و فرهنگي، همگي شكل و نمود جديدي پيدا كرده است. «رولند رابرتسون» مي‌گويد: «جهاني‌شدن، جهان‌شمول‌شدن صفات خاص، و خاص‌شدن جهان‌شمولي‌هاست» (اسلامي، 1382).

شناخت وجوه جهاني‌شدن و تأثير آن بر نظام‌ها و نهادهاي اجتماعي، عرصة تحقيقاتي و قلم‌فرسايي جديد و گسترده‌اي را پديد آورده و ذهن پژوهشگران و صاحبان انديشه را به خود مشغول كرده است. علوم كتابداري و اطلاع‌رساني نيز به منزله يك علم از شاخه‌هاي علوم اجتماعي (موكهرجي، 1382)، كتابخانه‌ها و مراكز اطلاعاتي به مثابه نهادي اجتماعي، و حرفة كتابداري و اطلاع‌رساني به عنوان يك حرفه، از تأثير جهاني‌شدن در امان نمانده‌اند. بنابراين، بررسي چگونگي تعامل اين عرصة اجتماعي با پديدة جهاني‌شدن مي‌تواند مسيرهاي حركت برنامه‌ريزان و دست‌اندركاران آن را در عصر جديد تبيين كند.

در اين مقاله، ابتدا جهاني‌شدن تعريف و روند آن به اجمال بررسي مي‌شود، نقش اطلاعات در فرآيندها و مسائل جهاني به عنوان پيش‌زمينة فعاليت كتابخانه‌ها و مراكز اطلاعاتي تحليل مي‌گردد و در ادامه، زمينه‌هاي فعاليت و چالش‌هاي پيش‌روي اين مراكز به بحث گذاشته مي‌شود. قسمت پاياني مقاله، به ارائة راهكارها و نتيجه‌گيري كلي اختصاص مي‌يابد. اين مقاله از سه جهت مي‌تواند مفيد تلقي شود: نخست، افزايش اهميت اطلاعات در معادلات جهاني توجهات بيشتري را به مراكز اطلاعاتي جلب كرده است كه به عنوان يك حوزة تحقيقاتي مي‌تواند موردتوجه پژوهشگران قرار گيرد؛ دوم، كتابخانه‌ها و مراكز اطلاع‌رساني در مقابل فرصت‌ها و چالش‌هاي جديدي قرار گرفته‌اند كه بررسي آن‌ها و ارائة راهكارهاي مناسب ضروري است؛ و سرانجام اين‌كه آيندة حيات حرفه‌اي كتابداران و اطلاع‌رسانان به تعامل با پديده‌هاي جديد و طرز برآيند آن‌ها بستگي خواهد داشت.

جهاني‌شدن

واژة جهاني‌شدن، سيالي روزافزون در كالا، خدمات، مشاغل، فناوري‌ها و سرمايه در سرتاسر جهان را توصيف مي‌كند. جهاني‌شدن يك پيشرفت جديد نيست، بلكه گام‌هاي آن در نتيجة پيشرفت فناوري‌هاي نوين، بويژه در عرصة ارتباطات از راه دور، سريع‌تر شده است (Globalization, 2002).

در فرهنگ «هايپر ديكشنري» جهاني‌شدن به منزلة رشد در مقياس جهاني تعريف شده است (Hyperdictionary, 2002). در برخي موارد، جهاني‌شدن به منزلة تجانس جهاني نيز تعبير شده است. از اواخر دهه 1960، فرآيند جهاني‌شدن در عرصه‌هاي مختلف اقتصادي، سياسي و فرهنگي متجلي شده است. جهاني‌شدن، تركيبي است جهاني از توافق‌هاي تجارت آزاد، شبكه جهاني و يكپارچگي بازارهاي مالي رقابتي كه مرزها و فاصله‌ها را پاك كرده و دنيا را به عنوان يك واحد كل متحد ساخته است (رابرتسون، 1379).

هرچند كه واژة جهاني‌شدن در ظاهر به پديدة اقتصادي اشاره دارد، اما عواملي وجود دارد كه تأثيرات آن را اجتماعي و فرهنگي‌‌تر مي‌سازد ـ به‌اين‌صورت كه ايده‌ها، آيين‌ها، حركت‌هاي فرهنگي و نظير آن، همگي به دنبال مبادلة كالاها برفراز مرزهاي ملي حركت مي‌كنند (Kluver, 2000).

در عرصه فرهنگي، افزايش روزافزون ارتباطات، رسانه‌ها، ماهواره‌ها بر صحت اين نظريه كه نوعي تجانس فرهنگي در حال وقوع است مهر تأييد مي‌زند. در مقابل، عده‌اي معتقدند كه جهان به استقبال برخورد فرهنگ‌ها و تمدن‌ها پيش مي‌رود: جهاني‌شدن شامل تراكم دنيا به عنوان يك كل است و از طرف ديگر، افزايش سريع در اجماع و پايه‌گذاري فرهنگ جهاني تلقي مي‌شود؛ به‌طوري كه همگون‌سازي به عنوان يكي از ويژگي‌هاي جهاني‌شدن ميليون‌ها فرصت شغلي ايجاد كرده و باعث شده است كه حدود دو تريليون دلار سرمايه از كشورهاي ثروتمند از طريق سهام، سرمايه‌گذاري در اوراق قرضه و وام‌هاي تجاري به كشورهاي فقير و درحال توسعه منتقل شود (احمدي علي‌آبادي، 1382). البته نبايد از ياد برد كه فرار سرمايه‌ها و مغزها از كشورهاي فقير به كشورهاي ثروتمند نيز اتفاق مي‌افتد كه از حوصله اين بحث خارج است. با وجود اين، انساني كه تاكنون در كشور و پايتخت خود بيگانه و ناديده گرفته مي‌شد، از طريق شبكه‌هاي اطلاعاتي و حتي در دورافتاده‌ترين نقاط جهان مي‌تواند از اطلاعات هرجاي جهان آگاه شود و در بسياري از گردهم‌آيي‌هاي مردمي و فعاليت‌هاي جامعه مدني مشاركت كند (احمدي علي‌آبادي، 1382).

گرچه جهاني‌شدن در نهايت به ادغام و يكپارچگي موسسه‌هاي اقتصادي توجه دارد و بيشترين يكپارچگي از طريق مجراهاي فناوري اتفاق مي‌افتد، اما واژة اطلاعات‌گرايي[2] نيز در كنار آن مطرح است. اطلاعات‌گرايي، فرآيندي است كه در آن فناوري اطلاعات و ارتباطات، بستر لازم براي گفتمان‌هاي فرهنگي و مدني جامعة بشري را فراهم مي‌آورد. اين فناوري‌، تنها رايانه‌ها و اينترنت را دربرنخواهد گرفت، بلكه ديگر فناوري‌هاي مرتبط را كه انتقال اطلاعات يكي از شاخص‌هاي ابتدايي آن‌ها به شمار مي‌رود نيز شامل مي‌شود. پيشتر، قرن‌ها طول مي‌كشيد تا يك ايده در جهان اشاعه پيدا كند؛ اكنون اين كار در كمترين زمان ممكن به وقوع مي‌پيوندد. جهاني‌شدن موجب باروري فناوري اطلاعات شده و بازار جهاني و انگيزش استراتژيك شفافي براي پذيرش آن ايجاد مي‌كند (Kluver, 2000).

جهاني‌شدن و اطلاعات‌گرايي موجب شده است كه افراد جامعه بيش از پيش به اطلاعات و آگاهي و دانش احساس نياز كنند. مي‌توان گفت بشر به سوي جامعة اطلاعاتي در حال حركت است كه در آن، تمامي مناسبات براساس اطلاعات شكل مي‌گيرد. با افزايش شهرنشيني و پديدارشدن اشكال اقتصادي نوين، انقلاب اطلاعات بستر اجتماعي جديدي را در قالب ظهور جوامع اطلاعاتي، مردم‌سالاري مشاركتي و روحِ جهاني‌گرايي به وجود خواهد آورد. البته مسائل و مشكلاتي نيز در اين راستا وجود دارند. برخي از دانشمندان از تضعيف مفهوم ملت، (Poster, 1999) افزايش اهميت شركت‌هاي چندمليتي، سازمان‌هاي غيردولتي و مانند آن (Friedman, 1999) سخن به ميان مي‌آورند كه با قوت‌گرفتن اين واحدها فرآيند سياسي، اقتصادي و فرهنگي با چالش روبرو مي‌شود. اطلاعات‌گرايي هنوز هم در عصر جهاني‌شدن به سوي برجسته‌ساختن نقش و اهميت اطلاعات در حركت است و لزوم توجه به اين پديده را ضرورت بخشيده است.

اطلاعات و جهاني‌شدن

دو پديده «اطلاعات» و «جهاني‌شدن» رابطة دوسويه‌اي با همديگر دارند. از يك سو، اطلاعات نقش و جايگاه خاصي در جهاني‌شدن دارد و از سوي ديگر جهاني‌شدن باعث افزايش دسترسي به اطلاعات و درك اهميت آن شده است. در عرصة اطلاعات نيز جهاني‌شدن به مثابه تسهيل جريان اطلاعات بر فراز مرزها يا بدون توجه به مرزها تلقي مي‌شود (Nayyer, 2003). اين روند را مي‌توان چنين تعبير كرد كه دسترس‌پذيري اطلاعات موجب تعامل، مشاركت و همكاري روزافزون افراد با همديگر شده است و اين امر به عينيت يافتن جهاني‌شدن كمك مي‌كند. جهاني‌شدن نيز خود، موجب گسترش، تسريع، تسهيل و تشويق ارتباطات شده است. اين تعامل را مي‌توان به صورت شكل 1 نشان داد:

اطلاعات

در سطح محلي

ارتباطات

تعاملات

مشاركت

همكاري

جهاني شدن

در سطح جهاني

گسترش ارتباطات

تسريع ارتباطات

تسهيل ارتباطات

تشويق به همكاري

اطلاعات

شكل 1. تعامل اطلاعات با جهاني‌شدن

با ازهم‌پاشيدگي موانع يا حداقل ايجاد امكان ارتباط فرامرزي افراد با يكديگر و جهاني‌شدن اقتصاد، فرهنگ، سياست و غيره، افراد در معرض ارتباطات بيشتري قرار گرفته‌اند. پيش از اين، چنين زمينه‌هاي ارتباط تا اين اندازه سابقه نداشته. بنابراين افراد براي نيل به موفقيت در روابط شخصي، تجاري، فرهنگي، سياسي و غيره به اطلاعات وابسته‌اند و تصميم‌گيري‌هاي كارآمد نيز در گرو دستيابي به اطلاعات است. اطلاعات به صورت يك كالا درآمده و ارزش سرمايه‌گذاري در اين زمينه آشكار شده است. از طرف ديگر، تعامل و ارتباطات بيشتر، توليد اطلاعات را افزايش داده است و محمل‌هاي مختلف اطلاعاتي پديد آمده است و مراكز اطلاعاتي، شبكه‌هاي اطلاعاتي از جمله اينترنت و بزرگراه‌هاي اطلاعاتي در خدمت تبادل اطلاعات قرار گرفته‌اند. بنابراين، جريان گستردة اطلاعات برقرار مي‌گردد. همان‌گونه كه اشاره شد، اطلاعات‌گرايي به همزاد جهاني‌شدن بدل گرديده است. جهاني‌شدن و اطلاعات‌گرايي اشخاص و جوامع را قادر مي‌سازند تا در عرصة بين‌المللي اقتصاد، سياست و منابع فرهنگي ظاهر شوند و درنتيجه، جريان گستردة اطلاعات برقرار مي‌گردد. به عنوان نمونه اخبار روزانة مركزي كره شمالي به اندازة اخبار «سي‌ان‌ان»[3] براي همگان از طريق اينترنت دسترس‌پذير است و مي‌توان مانند فريدمن (Friedman, 1999) بر اين باور بود كه رشد فناوري، دموكراسي اطلاعاتي را به بار آورده است كه اين دموكراسي توان هماهنگي بين‌المللي را نيز ارتقا مي‌بخشد.

در عصر حاضر، مي‌توان با استفاده از فناوري اطلاعات، اطلاعات موردنياز جوامع پيرامون را در دسترس قرار داد. همان‌گونه كه گفته شد، جهاني‌شدن باعث افزايش اهميت اطلاعات شده است و به همين خاطر عصر حاضر را عصر اطلاعات مي‌نامند. صنايع اطلاعاتي رونق روزافزوني يافته و مراكز توليد، پردازش و اشاعة اطلاعات وارد حيات اجتماعي، فرهنگي و سياسي افراد جامعه شده‌اند. همة اقشار جامعه به اطلاعات فراخور خود نياز دارند و شايد به همين دليل هم باشد كه كارهاي اطلاعات‌مدار و دانشي، يكي از ويژگي‌هاي جهاني‌شدن تلقي مي‌شوند (Kluver, 2000)، گردآوري و اشاعة دانش در مركز ثقل سياست‌هاي جامعة اطلاعاتي قرار دارد، همان‌گونه كه مالكيت و درآمد در عصر سرمايه‌داري و صنعتي مركز ثقل بود.

مهارت‌هاي ارتباطي در دريافت و ارسال دانش، تعيين‌كنندة ميزان موفقيت يك شخص، سازمان، صنعت يا يك ملت است و به عبارت ديگر موفقيت آن‌ها در گرو گردآوري و به‌كارگيري دانش مي‌باشد. مشاركت‌كنندگان در نظام جهاني هميشه خود را نيازمند فراگيري دانش جديد مي‌بينند و اكنون به جاي استفاده از تقسيم‌بندي‌هاي جهاني شمال ـ جنوب، توسعه‌يافته ـ توسعه‌نيافته يا مركز ـ پيرامون، از ثروتمندان اطلاعاتي و فقيران اطلاعاتي ياد مي‌كنند (Gerrard, 2000).

با توجه به اين بحث، مي‌توان نتيجه گرفت كه در نتيجة جهاني‌شدن، اطلاعات اهميت بيشتري يافته است. بنابراين، نياز جوامع به مراكز و نهادهايي كه به امور اطلاعات (گردآوري، سازماندهي و اشاعه) بپردازند و افراد جامعه را در دستيابي به اطلاعات موردنياز از بين تودة عظيم اطلاعاتي ياري دهند، افزايش مي‌يابد.

كتابخانه‌ها و مراكز اطلاعاتي در كوران توجه

با افزايش تعاملات و ارتباطات جهاني و شكل‌گيري جوامع اطلاعاتي و تداوم فرآيند جهاني‌شدن، اطلاعات و اطلاع‌‌رساني جايگاه ويژه‌اي پيدا مي‌كند. كتابخانه‌ها و مراكز اطلاعاتي از جمله نخستين نهادها و مراكزي هستند كه به طور مستقيم به گردآوري، سازماندهي و اشاعة اطلاعات در اشكال مختلف پرداخته و با تغييرات زمان خود را سازگار نموده‌اند و اكنون در عصر اطلاعات و عرصة جهاني‌شدن، وظيفة سنگيني را بر دوش دارند و در تعامل با اين پديدة جهاني،‌ در مقابل فرصت‌ها و چالش‌هاي ويژه‌اي قرار گرفته‌اند. در بررسي تعامل كتابخانه‌ها و مراكز اطلاعاتي با جهاني‌شدن بايد فرصت‌ها، زمينه‌هاي فعاليت و چالش‌هاي احتمالي را تواماً در نظر گرفت تا بتوان تصويري روشن از جايگاه كتابخانه‌ها و مراكز اطلاعاتي در فرآيند جهاني‌شدن ارائه داد.

فرصت‌ها و زمينه‌هاي فعاليت

1. ايجاد دسترسي به اطلاعات: همان‌گونه كه مي‌دانيم حجم اطلاعات روز به روز افزايش مي‌يابد. افزايش اطلاعات علمي، اجتماعي، سياسي و همه‌جانبه در مقياس جهاني و پديدآمدن مجراها و رسانه‌هاي مختلف ارتباطي و افزايش روزافزون تعاملات انساني، عامل اصلي افزايش حجم اطلاعات مي‌باشد. در چنين موقعيتي دسترسي به اطلاعات روزآمد، مناسب و پردازش‌شده رمز موفقيت اجتماعي، سياسي و جهاني افراد در سازمان‌ها و دولت‌ها تلقي مي‌شود. با توجه به سابقة كتابخانه‌ها و مراكز اطلاع‌رساني در گزينش، سازماندهي و اشاعة اطلاعات، متخصصان كتابداري و اطلاع‌رساني مي‌توانند در اين زمينه فعاليت كنند، نظم مناسبي به اطلاعات بعضاً نابسامان جهاني بدهند و آن‌ها را كاناليزه كنند تا زمينة دسترس‌پذيري اطلاعات در بستر فناوري‌هاي نوين مهيا گردد. تجربيات ارزندة كتابداران و اطلاع‌رسانان، عامل تضمين‌كنندة دسترسي مفيد به اطلاعات شمرده مي‌شود. دسترسي به اطلاعات از بعد ديگري نيز مطرح است: با كالايي‌شدن اطلاعات و لزوم پرداخت وجه در برابر اطلاعات، احتمالاً قشرهايي از جامعه توان پرداخت چنين وجهي را ندارند؛ بنابراين كتابخانه‌ها و مراكز اطلاعاتي مي‌توانند با استفاده از امكانات جامعه و ارائة تخفيف‌هاي ويژه، اين اقشار را زير چتر حمايتي خود درآورند. با عينيت‌يافتن جهاني‌شدن، اين امر اهميت بيشتري مي‌يابد و به گفتة «سارا آنه لانگ»، رئيس «انجمن كتابداري و اطلاع‌رساني آمريكا»، كتابخانه‌ها جامعه را مي‌سازند اما جامعة امروز يك جامعة جهاني است (Long, 2000). از گفتة خانم «لانگ» مي‌توان نتيجه گرفت كه مسائل پيشين، امروز در يك مقياس بزرگتر مطرح مي‌شوند و نقش كتابخانه‌ها و مراكز اطلاع‌رساني نيز گسترش مي‌يابد.

2. سوادآموزي: در عصر حاضر، مفهوم سواد تا حدودي تغيير كرده است. با پيشرفت روزافزون در عرصة محمل‌هاي اطلاعاتي و فناوري‌هاي مربوطه، سواد اطلاعاتي به بخشي از ضروريات و نيازهاي اجتماعي بشر تبديل شده است. از آنجاكه كتابخانه‌‌ها و مراكز اطلاعاتي از پيشگامان عرصة اطلاعات و ارتباطات به حساب مي‌آيند، بنابراين مي‌توانند آموزش سواد اطلاعاتي را به نحو احسن انجام دهند و افراد را در استفاده از اطلاعات و كسب دانش مورد نياز ياري كنند. در اين راستا تهية استانداردهاي سواد اطلاعاتي و برگزاري دوره‌هاي مناسب و ارائة گواهينامه‌هاي سواد اطلاعاتي مي‌تواند افراد را در ارتباطات علمي و اجتماعي در فرآيند جهاني‌شدن به مهارت‌هاي لازم تجهيز نمايد. با توجه به اين‌كه نبود سواد اطلاعاتي يكي از مؤلفه‌هاي ايجاد فاصله بين جوامع توسعه‌يافته و درحال ‌توسعه مي‌باشد، كتابخانه‌ها مي‌توانند در كم‌كردن اين فاصله فعالانه شركت كنند.

3. مشاركت در ريشه‌كن‌كردن فقر و پشتيباني از توسعة پايدار: برخي از مشكلات عديده‌اي كه پيش‌روي كشورهاي توسعه‌نيافته وجود دارد عبارت‌اند از: فقر گسترده، بي‌سوادي بالا، بدهي‌هاي سنگين، افزايش جمعيت، اتكا به بخش كشاورزي، و مواردي از اين قبيل. اطلاعات مي‌تواند در كاهش يا حل اين مسائل نقش تعيين‌كننده‌اي بازي كند و در زمينه‌هاي كشاورزي، پزشكي، فناوري و مانند آن‌ها، به ايجاد زيرساخت‌هاي مستحكم اجتماعي، اقتصادي و فني موردنياز براي پشتيباني از فرآيند توسعه، ياري رساند (Heitzman, 1990).

سازمان يونسكو در طرح ميان‌مدت خود به نوعي ديگر موضوع فوق را مورد تاكيد قرار داده: دارابودن و استفاده از دانش، عامل اساسي پيشرفت است. اطلاعات به عنوان شكل قابل‌انتقال دانش، بايد سازماندهي شود و به عنوان يكي از پيش‌نيازهاي اصلي توسعة اقتصادي و اجتماعي در اختيار قرار گيرد تا به‌اين‌ترتيب از منابع طبيعي و پيشرفت‌هاي علمي و فني، كشاورزي، صنعت، خدمات، و... استفادة مطلوب صورت پذيرد. به دنبال آن، يكسان‌سازي اطلاعات علمي و فني يكي از پيش‌شرط‌هاي پيشرفت در كشورهاي در حال رشد مي‌باشد (Unesco, 1982).

با دستيابي به اطلاعات و راه‌اندازي سازوكارهاي تبديل اطلاعات به دانش، توسعه همه‌جانبه و پايدار جوامع درحال توسعه تضمين مي‌شود. به‌اين‌ترتيب، بدون آسيب‌رساندن به منابع و منافع نسل‌هاي آينده، از منابع موجود در راستاي توسعه و شكوفايي بهره‌برداري مي‌شود. حصول چنين شرطي، به سطح آگاهي افراد جامعه بستگي خواهد داشت و كتابخانه‌ها و مراكز اطلاع‌رساني در اين راستا نقش عمده‌اي دارند.

4. توسعة آزادي انديشه و بيان: در كوران تبليغات رسانه‌اي قوي و به‌كارگيري ماهواره‌هاي سخن‌پراكني از جانب صاحبان قدرت، سرنوشت انديشه و بيان انسان عصر حاضر در هاله‌اي از ابهام قرار مي‌گيرد كه جريان يك‌سوية جهاني اطلاعات، گره كور آن به حساب مي‌آيد. كتابخانه‌ها و مراكز اطلاعاتي مي‌توانند بدور از خفقان و تحميل آرا و عقايد خاص و سانسور، محيط آرام و مناسبي را براي پرورش بذرهاي انديشة خلاق و راهگشا فراهم آورند و از سوي ديگر بدور از پيش‌داوري و بدبيني، محلي را براي اشاعه و بيان آرا و عقايد افراد و صاحبان انديشه مهيا سازند. درواقع كتابخانه به‌مثابه عامل تعديل اثر تبليغات و سانسور آرا و عقايد عمل مي‌كند تا در كوران جهاني‌شدن، همگان بخت حضور در عرصة جهاني و جريان جهاني اطلاعات را پيدا كنند. تحقق چنين امري، موفقيت بزرگي براي نظام كتابداري و اطلاع‌رساني به شمار مي‌آيد.

5. حفظ هويت و تنوع فرهنگي به موازات همگن‌سازي فرهنگي: يكي ديگر از نقش‌هايي كه كتابخانه‌ها و مراكز اطلاعات مي‌توانند برعهده گيرند، كمك به بقاي هويت و تنوع فرهنگي ملل مختلف مي‌باشد. برخي معتقدند كه جهاني‌شدن موجب آسيب‌ديدن رسوم و سنت‌ها، استقلال ملي و انسجام فرهنگي مي‌شود. در چنين فضايي كه فرهنگ‌هاي محلي در مقابل فرهنگ يا فرهنگ‌هاي غالب رنگ مي‌بازند، كتابخانه‌ها مي‌توانند با حفاظت و اشاعة ميراث مكتوب و فرهنگي ملل و ارائة آن به مراجعه‌كنندگان جهاني خود، سناريوي تكميل مينياتوري همة فرهنگ‌ها (با ويژگي‌هاي منحصربه‌فرد) در قالب فرهنگ جهاني و خاص‌گرايي فرهنگي را عينيت بخشند. اين خود وظيفه‌اي بس سنگين و حياتي است كه كتابخانه‌ها در عصر اطلاعات و جهاني‌شدن به دوش خواهند داشت. البته در اين راستا نهادها و مراكز مختلفي در خط‌مقدم قرار خواهند داشت كه از آن جمله به موزه‌ها مي‌توان اشاره كرد. اما كار كتابخانه‌ها به لحاظ پويابودن سرشت‌ آن‌ها، منحصر‌به‌فرد خواهد بود.

6. اعتلاي تفاهم بين‌المللي و ارتقاي همكاري‌هاي جهاني: كتابخانه‌ها و مراكز اطلاعاتي با ارائة اطلاعات در مورد فرهنگ‌ها، كشورها و موقعيت‌هاي مختلف و رخدادهاي جهاني به مراجعان خود، به ارتقاي تفاهم بين‌المللي و رفع كدورت‌ها و پيشداوري‌هاي ناشي از ناآگاهي كمك خواهند كرد. با گسترش ارتباطات بين افراد و فرهنگ‌ها در نتيجة جهاني‌شدن، هر سند مربوط به يك فرهنگ ديگر، به مثابه نوشدارويي خواهد بود كه تفاهم بين‌المللي و بين فرهنگي را از مرگ حتمي نجات خواهد داد. هرچه آگاهي مردم از فرهنگ‌ها و مواريث ساير ملل افزايش يابد، به همان اندازه همكاري و تعامل مسالمت‌آميز در عرصة جهاني ارتقا خواهد يافت. بنابراين، دهكدة جهاني «مك‌لوهان»، با افق‌هاي روشن و نشانه‌هاي صلح و صفا عينيت پيدا خواهد كرد.

چالش‌ها

كتابخانه‌ها و مراكز اطلاع‌رساني و در رأس آن حرفة كتابداري و اطلاع‌رساني براي استفاده از فرصت‌هاي مذكور و ايفاي نقش مؤثر در فرآيند جهاني‌شدن، با چالش‌هايي روبرو هستند كه حركت اين مراكز را براي نيل به اهداف تعيين‌شده و انجام رسالت محولة اجتماعي و جهاني، با كندي روبرو مي‌سازد. چالش‌ها عبارت‌اند از:

1. چالش‌هاي مالي: با افزايش حجم اطلاعات و كيفيت عملكرد كتابخانه‌ها و مراكز اطلاع‌رساني و مواجهه با موقعيت‌هاي جديد حاصل از جهاني‌شدن، نياز به اعتبارات مناسب نيز افزايش مي‌يابد. اين در حالي است كه بودجه‌هاي اين مراكز مناسب با نيازهاي آن‌ها افزايش نمي‌يابد و در برخي موارد با كاهش نيز روبرو است. با حركت دنيا به سوي سرمايه‌داري و محاسبة هزينه ـ سودمندي مراكز اجتماعي و توجيه اقتصادي آن‌ها، اين مراكز آسيب جدي مي‌بيند، زيرا سرمايه‌گذاري در چنين مراكزي در كوتاه‌مدت قابل برگشت نيست و از طرف ديگر، درك نادرست برخي سياستگذاران در كشورهاي درحال توسعه از ضرورت سرمايه‌گذاري در اين زمينه باعث ركود كم‍ّي و كيفي آن‌ها مي‌شود. بنابراين، توجه جدي كشورها و جوامع به تأمين اعتبار كتابخانه‌ها و مراكز اطلاع‌رساني (به مثابه سرمايه‌گذاري درازمدت و بنياني) براي توسعة پايدار بسيار ضروري است. كتابداران و اطلاع‌رسانان بايد فلسفة وجودي خود را با توجه به موقعيت‌هاي جديد و تعريف دقيق آن، براي مسئولان دست‌اندركار توجيه كنند تا آن‌ها با آگاهي از ضرورت سرمايه‌گذاري در اين زمينه و برگشت درازمدت سرمايه، به اين امر همت بگمارند.

2. چالش‌هاي آموزشي: تحولات سريع در جوامع كنوني و روند پرشتاب جهاني‌شدن، كتابخانه‌ها و مراكز اطلاع‌رساني را (كه خود را متولي آموزش سواد اطلاعاتي به نسل جديد مي‌دانند) در معرض چالش‌ جديدي قرار مي‌دهد. اين چالش، همان ضرورت روزآمدسازي و تغيير برنامه‌هاي آموزشي، دوره‌ها و زمينه‌هاي تحقيقات علوم كتابداري و اطلاع‌رساني است. واحدهاي درسي قديمي اكنون جوابگوي نيازهاي امروزي كتابداران و اطلاع‌رسانان و جامعة اطلاعاتي نيست و چنانچه گروه‌هاي آموزشي كتابداري و اطلاع‌رساني در لاك عملگرايي افراطي خود باقي بمانند، توانايي لازم براي انجام وظايف جديد را نخواهند داشت. بنابراين، بايد برنامه‌هاي خود را روزآمد سازند، در آموزش مهارت‌هاي نوين و تحكيم مباني نظري خود تلاش كنند و خود را براي ورود به عرصه‌هاي نوين اجتماعي كه در آن، نقش‌ها و فرصت‌هاي جديدي به عهدة آن‌ها است، مهيا سازند. در غير اين‌صورت رقيبان توانمندي در ميان سازمان‌ها و مراكز پيدا خواهند كرد كه فرصت طلايي ارتقاي منزلت را از آن‌ها سلب كنند. لزوم چنين تغييري در رويكرد پژوهش‌هاي علوم كتابداري و اطلاع‌رساني نيز مصداق دارد و هرچه جامعة كتابخانه‌ها از داخل مرزهاي محلي، ملي و منطقه‌اي فراتر مي‌رود، زمينه‌هاي تحقيقاتي اين علم نيز دچار تغيير و تحول بيشتري مي‌شود. بنابراين، كتابداران و اطلاع‌رسانان بايد با ابتكار عمل و خلاقيت، اوضاع را اداره و كنترل كنند؛ يعني خلاقيت متخصصان در تعيين جايگاه حرفه‌اي از اهميت فراواني برخوردار است.

3. استانداردسازي و مسائل تبادل اطلاعات: كتابخانه‌ها و مراكز اطلاع‌رساني امروزي، ديگر به يك محدودة جغرافيايي خاص تعلق كامل ندارند. روزانه هزاران نفر از وب‌سايت كتابخانه‌ها و مراكز اطلاع‌رساني سراسر دنيا بازديد و استفاده مي‌كنند. پيشينه‌هاي كتابشناختي كه درونماية مدارك موجود در يك كتابخانه و مركز اطلاعاتي يا مربوط به يك نويسنده هستند، در كشورهاي ديگر بازيابي و استفاده مي‌شوند. بنابراين، مسائل موجود بر سر راه انتقال و بازنمون اطلاعات مذكور، يكي از چالش‌هاي عمدة مراكز اطلاعاتي است. گسترش شبكه‌هاي ارتباطي و اينترنت امكان داد و گرفت اطلاعات را بيش از پيش تسهيل كرده است. كتابداران و كتابخانه‌ها نيز تلاش‌هاي فراوان و پرباري را در راستاي تدوين استانداردهاي فراگير و كارآمد انجام داده‌اند و برخي از اين تلاش‌ها، از جمله «دوبلين كور»[4] و انديشة «ابرداده»[5] در زمينة توصيف يكدست داده‌هاي كتابشناختي و انتقال آن‌ها، به‌بار نشسته است. اما، هنوز راه زيادي تا تدوين استانداردهاي همه‌جانبه و مطلوب باقي است كه تلاش بي‌وقفة كتابداران و اطلاع‌رسانان نيز ادامه خواهد داشت.

4. چالش‌هاي زباني: با گرايش جوامع بشري به سوي جهاني‌شدن، زبان به عنوان عامل ارتباط، بعضاً به صورت يك عامل بازدارندة ارتباط ظاهر مي‌شود و چه بسيارند مجموعه‌هايي كه به خاطر زبان آن‌ها، براي ديگران قابل استفاده نيستند. كتابخانه‌ها و مراكز اطلاع‌رساني مي‌توانند حداقل با ارائة چكيده‌اي از آن‌ منابع به يكي از زبان‌هاي زندة دنيا، نقش خود را به عنوان حافظ هويت فرهنگي و رابط بين فرهنگ و داشته‌هاي علمي و فرهنگي ملل مختلف و اعتلاي تفاهم و درك بين‌المللي ايفا كنند. تحقق اين امر مستلزم هزينه، وقت و بودجه و نيروي انساني مناسبي است كه بيشتر كتابخانه‌ها از فقدان يا كمبود آن رنج مي‌برند. مسائل زباني بسيار گسترده‌تر از آن چيزي است كه در اينجا مورد اشاره قرار گرفت. در اينجا تنها به اين نكته بسنده مي‌كنيم كه مسائل زباني، يك چالش عمده در عرصة روابط علمي و اجتماعي محسوب مي‌شوند و اين چالش در عصر حاضر همچنان ادامه دارد.

نتيجه‌گيري

جهاني‌شدن به عنوان يك پديدة همه‌جاگستر، موجب تغييرات اساسي در ساختارها، ارتباطات و مناسبات دنيا شده است و اين فرآيند همچنان روبه جلو در حركت است. همزمان با فرآيند جهاني‌شدن، اطلاعات‌گرايي به صورت گرايش غالب جوامع درآمده و جوامع اطلاعاتي در حال پديدآمدن مي‌باشند. اطلاعات، كالاي اساسي و مادة اولية تصميم‌گيري‌ها و مناسبات اجتماعي و سياسي و اقتصادي تلقي مي‌شود و كتابخانه‌ها و مراكز اطلاعاتي به عنوان متوليان سنتي و باسابقة امور اطلاعات و اطلاع‌رساني، با فرصت‌ها و چالش‌هاي جديدي مواجه شده‌اند كه طرز تعامل و برآيند با آن‌ها تعيين‌كنندة جايگاه اين حرفه در جامعة جهاني آينده خواهد بود. متخصصان كتابداري و اطلاع‌رساني بايد از فرصت پيش‌آمده استقبال كنند و به تثبيت جايگاه اجتماعي خود بپردازند. لازم به ذكر است كه برخي‌ معتقدند به دنبال تضعيف دولت- ملت‌ها در اثر جهاني‌شدن، گروه، مجموعه يا شورايي كه توانايي اجراي قوانين سنگين و نوپرداز را داشته باشد، رهبري نظام‌هاي فضا- منطقه‌اي يا جهان چندبعدي را برعهده خواهند گرفت. به طور يقين، رهبري چنين نظام فراگيري بسيار پيچيده است و گروه اداره‌كنندة آن بايد شاخص‌هايي داشته باشد كه به شرح زير است (پيشگامي‌فرد، 1380):

1. گروه اداره‌كنندة دهكدة جهاني، شخص يا اشخاصي هستند كه قادر باشند رهبري جمعي از نخبگان كره زمين را به عهده بگيرند و به عبارتي، بايد بتوانند براي چگونه فكركردن متفكران جهان برنامه‌ريزي كنند و مهم‌ترين شاخص رهبري جهان در بحبوحه جهاني‌شدن را داشته باشند؛

2. قدرت بهره‌برداري از توليدات فكري نخبگان را دارا باشند؛

3. قدرت تشخيص و پاسخگويي به همة نيازهاي جامعة جهاني را به عنوان اجزاي سيستم جهاني داشته باشند؛

4. توانايي لازم براي تنظيم قوانين ارتباطي ميان نظام‌هاي فضا ـ منطقه‌اي را داشته و سازوكارهاي لازم براي پيشگيري از هر نوع تصادم احتمالي بين نظام‌هاي مذكور را ايجادكرده باشند.

همة اين شاخص‌ها برازنده يك گروه دانشمند و دانش‌مدار و دانش‌پرور است. كتابخانه‌ها و مراكز اطلاعاتي مي‌توانند در پرورش چنين افرادي و تأمين نيازهاي اطلاعاتي آن‌ها نقش عمده داشته باشند.

راهكارها و پيشنهادها

با توجه به موارد مطرح‌شده در طول مقاله و ماهيت موضوع، سه نوع پيشنهاد ارائه مي‌شود:

راهكارها و پيشنهادهايي براي دست‌اندركاران تصميم‌گير

1. درك موقعيت كنوني جهان يكي از ضرورت‌هاي اساسي است كه در صورت تحقق آن دستيابي به جايگاه مناسب در روابط و مناسبات جهاني دسترس‌پذير خواهد بود؛

2. با توجه به اهميت اطلاعات و دانش در مناسبات اجتماعي و بين‌المللي و توسعة پايدار جوامع، ارج‌نهادن به فرآيند و عوامل دست‌اندركار، موجب تضمين بهره‌مندي همگان از اين پديدة حياتي خواهد شد؛

3. سرمايه‌گذاري در زمينة اطلاعات و بسترسازي براي جريان بهينة‌ اطلاعات علمي و فرهنگي، يك سرمايه‌گذراي درازمدت سودآور خواهد بود كه تصميم‌گيران در سطح كلان بايد به اين امر عنايت داشته باشند؛

4. تحكيم زيرساخت‌هاي اطلاعاتي و اطلاع‌رساني موجب تصمين رشد و توسعه مي‌گردد و افق‌هاي روشني را در پيش روي آيندة مملكت قرار مي‌دهد، كه نيازمند توجه بيشتر از سوي مسئولان رده‌بالا است.

راهكارها و پيشنهادهايي براي استادان و گروه‌هاي كتابداري و اطلاع‌رساني

1. دانش‌مداربودن يكي از خصوصيات ضروري براي جامعة امروزي است. گروه‌ها و استادان كتابداري و اطلاع‌رساني به سهم خود مي‌توانند در تربيت افرادي با اين ويژگي پيشگام باشند؛

2. تغيير و تحولات سريع در عرصة علم و فناوري، ضرورت روزآمدسازي و همگامي با پيشرفت‌ها را بيش از پيش توجيه مي‌كند. در اين روند، استادان و گروه‌ها در صف مقدم قرار دارند؛

3. اساتيد و گروه‌هاي كتابداري و اطلاع‌رساني حتماً بايد دانشجويان خود را به فراگيري مهارت‌هاي نوين و لازم براي ايفاي نقش در جامعه امروزي (كه در طول مقاله به آن‌ها اشاره شد) هدايت و راهنمايي كنند؛

4. در جهان امروز، تثبيت نظري و توجيه فلسفة وجودي حرفة كتابداري و اطلاع‌رساني با توجه به ضرورت‌هاي امروزي اهميت بسزايي دارد. اساتيد و گروه‌هاي كتابداري و اطلاع‌رساني در اين زمينه وظيفة سنگيني برعهده دارند تا جوانان را نيز براي اين امر مهيا كنند؛

5. اساتيد، گروه‌ها و انجمن كتابداري و اطلاع‌رساني مي‌توانند در مقابل چالش‌ها و نيازمندي‌‌هاي نوين رشتة كتابداري و اطلاع‌رساني با آمادگي و تيزبيني اقدام كنند و به چالش‌ها پاسخ مناسب دهند.

راهكارها و پيشنهادهايي براي دانشجويان

1. جهاني‌شدن و گسترش ارتباطات و اطلاعات‌گرايي، فراگيري برخي مهارت‌ها را براي متخصصان اطلاع‌رساني ضروري ساخته است. فراگيري بهنگام مهارت‌ها براي دانشجويان اين حرفه ضروري است؛

2. رسيدن به جامعه‌اي مطلوب و سطح بالاي آگاهي شهروندان آن، با هم مرتبط‌اند. دانشجويان رشتة كتابداري و اطلاع‌رساني بايد ايده‌هاي بهينه‌سازي جامعه و بالابردن سطح آگاهي شهروندان در همة زمينه‌ها را در ذهن خود پرورش دهند؛

3. جهاني‌شدن، تعامل بيشتر با جامعة جهاني را تسهيل و ضروري كرده است. بنابراين پرورش افكار جهاني و مهياشدن براي تعامل مطلوب بايد مورد توجه دانشجويان رشتة كتابداري و اطلاع‌رساني قرار گيرد؛

4. شناساندن حرفه در سطح جامعة محلي و بين‌المللي نيز مي‌تواند در ارتقاي وجهة حرفة ما مفيد واقع شود. دانشجويان نيز مي‌توانند در اين عرصه فعالانه وارد شوند.

منابع

احمدي علي‌آبادي، ك. (1382). جهاني‌شدن و دستاوردهاي آن. روزنامه ايران. پنجشنبه 16 مرداد. ص 5.

پيشگامي‌فرد، ز. (1380). نگرشي ژئوپولتيكي بر پديده جهاني‌شدن: تئوري نظام‌هاي فضا ـ منطقه‌اي. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامي.

اسلامي، مسعود. (1382). منطق جهاني‌شدن: بخش واپسين (مصاحبه). همشهري. پنجشنبه 10 مهر. بخش انديشه.

رابرتسون، خ. (1379). گفتمان‌هاي جهاني‌شدن. ترجمه رضا استاد رحيمي هريسي. انديشه امروز، چهارشنبه 17 ارديبهشت. ص 11.

موكهرجي، آ.ك. (1382). تاريخ و فلسفه كتابداري. ترجمه اسدالله آزاد. تهران: كتابدار.

Border, B. (1995). Jihad vs. Mc world: how globalization and tribalism are reshaping the world. New York: Random House.

Friedman, T. (1999). The Lexus and Olive tree: understanding globalization. New York: Basic books.

Gerrard, A.L. (2000). Globalization, information and developing countries: A selected guid to information resources. [online]. Available at:

http://slis.ualberta.ca/issues/alg1/global.htm/

Globalization. (2002). [online]. Available at:

http://canadianeconomy.gc.ca/english/economy/globalization.html

Heitzman, J. (1990). "Information system and development in the third world". Information processing and management. Vol. 26, No. 4, P 490.

Hyperdictionary. (2002). under "Globalization". [online]. Available at:

http://www.hyperdictionary.com/dictionary/globalization.

Kluver, R. (2000). Gobalization, information and intercultural communication. [online] Available at:

http://acjpurnal.org/holdings/vol3.

Long, A. S. (2000). Sister libraries. [online]. Available at:

http://www.ala.org/sisterlibraries/

Nayyer, K. (2003). "Globalization of Information: Intellecual Propery Law implications". First Monday: free journal on the internet. [online]. Available at:

http://www.firstmonday.dk/issues/issue7-1/nayyer/

Poster, M. (1999). "National identities and communications technologies". The information society. Vol. 15, No. 4, P 236.

Unesco. (1982). "Draft medium-term plan (1984-1989)". Second part,VII. Information systems and access to knowledge. General conference fourth extraordinary session. Paris. P 157

--------------------------------------------------------------------------------

1. عضو هيئت علمي دانشگاه تربيت‌مدرس و دانشجوي دكتري علوم كتابداري و اطلاع‌رساني دانشگاه فردوسي مشهد.

[2] . Informatization

[3]. CNN

[4]. Dublin Core

[5]. Meta Data